

## شاخص‌های آداب اجتماعی در قرآن کریم و نهج البلاغه از منظر آیت‌الله ناصر<sup>ع</sup>

مطهره بناوئی\*

### چکیده

از جمله اهداف مهم اسلام، سامان‌دهی به روابط اجتماعی است؛ از این رو هر آنچه در بهبود روابط اجتماعی اثری مطلوب دارد، در «آداب اسلامی» آمده است. آداب اجتماعی، مجموعه رفتارهای اختیاری و زیبایی‌شناختی است که فرد می‌تواند آن را انجام دهد و به اوج جهان فرشتگان پرواز کند. ادب اجتماعی از موضوعاتی است که ارتباط انسان را با خود، جامعه و تاریخ می‌سازد.

اسلام، دینی اجتماعی است و در آن آرمان‌ها و ایده‌های جمع‌گرا فراوان دیده می‌شود؛ از این رو مناسب است برای آگاهی از رویکرد دین به مسئله آداب اجتماعی، به منابع اصیل، مراجعه کرد؛ در این راستا سخنان امام علی<sup>ع</sup> در نهج البلاغه درباره ابعاد گوناگون آداب اجتماعی و معرفی الگوهای عملی در مسیر تغییر آداب نادرست اجتماعی منبعی شایان توجه است.

انسان، اجتماعی بوده، برای تأمین سعادت خود ناگزیر از رویارویی‌های اجتماعی است؛ از این رو میزان بهره‌مندی وی از ادب، در جایگاه اجتماعی و سعادت او مؤثر است. تحقیق حاضر از نوع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی است و آداب اجتماعی را در قرآن و نهج البلاغه و با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله ناصر<sup>ع</sup> بررسی کرده است. شاخص‌های آداب اجتماعی، ایجابی یا سلبی هستند؛ اخلاص، تواضع و صبر از جمله

---

\* دانش‌پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی فاطمه معصومه<sup>ع</sup> بندرعباس و مدرس حوزه علمیه خواهران استان هرمزگان. : mbanaruce@gmail.com



شاخص‌های ایجابی و غیبت، دروغ و تکبر از جمله شاخص‌های سلبی هستند.  
کلیدواژه‌ها: آداب اجتماعی، شاخص، شاخص‌های آداب اجتماعی، نهج البلاغه، آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه، تعاملات اجتماعی.

### مقدمه

انسان، اجتماعی است و این امر اقتضا دارد برای برآوردن نیازهای خود با مردم در ارتباط باشد؛ از این رو لازم است به وظایف خود و آدابی آگاه باشد که زندگی اجتماعی را دلپذیر می‌کند. چگونگی رفتار افراد در تعاملات اجتماعی یکی از موضوعات بسیار مهم است و افراد از طریق کسب آگاهی به این امر، می‌توانند خود و دیگران را از آسیب‌های ناآگاهی از این وظایف و آداب، در امان نگه دارند و در مسیر سعادت قرار گیرند. این مسئله ضرورت آگاهی با این وظایف و آداب را روشن می‌کند. درباره آداب اجتماعی، پژوهش‌هایی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله صورت گرفته است؛ اما پژوهشی جدا با این عنوان و با محوریت دیدگاه آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه یافت نشد. برخی از آن آثار عبارت‌اند از:

۱. کتاب «آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام» نوشته محمدبن حسن حر عاملی؛ که در آن نویسنده فقط به جمع‌آوری احادیث در زمینه آداب اجتماعی پرداخته است.
۲. پایان‌نامه «آداب اجتماعی از منظر قرآن کریم با تأکید بر سوره حجرات و لقمان» نوشته پروانه اوحدی؛ نویسنده در آن ابتدا به مبانی آداب اجتماعی و سپس به مؤلفه‌های آن در هر کدام از این دو سوره به‌طور جداگانه پرداخته؛ ولی به آداب اجتماعی مطرح‌شده در سایر سوره‌ها اشاره‌ای نکرده است.

در این نوشتار کوشیده‌ایم با هدف گسترش ادب در روابط انسانی و بهبود آن، به بررسی شاخص‌های آداب اجتماعی در قرآن کریم و نهج البلاغه با تأکید بر موارد مطرح‌شده در آثار و سیره آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه بپردازیم.

### مفهوم‌شناسی

### آداب اجتماعی

آداب اجتماعی از دو واژه آداب و اجتماعی تشکیل شده است. برای روشن شدن مفهوم آن، باید ابتدا با معنای هر کدام به‌طور جداگانه آشنا شویم. آداب، جمع ادب است و برای ادب





در لغت نامه‌ها معانی گوناگونی گفته‌اند که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌نماییم. صاحب مجمع‌البحرین ادب را همان خوش اخلاقی دانسته و احادیث، بین واجب و مستحب بودن آن، جمع کرده‌اند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵) فرهنگ ابجدی نیز ادب را اخلاق، فرهنگ، دانش، شایستگی و امتیازات شخص یا چیزی تعریف نموده است. (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۳۷۳) علامه طباطبایی معتقد است: ادب هیئت پسندیده‌ای است که شایسته است هر عمل مشروعی مطابق آن انجام شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۲۵۶) شیخ طبرسی از جمله بزرگانی است که در تعریف ادب، به کلام مولای متقیان علیه السلام در باب ادب، استناد کرده و آن را حد و اندازه هرچیز و تجاوز نکردن از آن تعریف نموده است: «الأدب حلل مجده؛ ادب برای انسان بهترین زینت‌ها است.» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۲۱)

اجتماع نیز از ریشه «ج م ع» و مصدر باب افتعال است و در لغت به معنای پیوستن برخی از اجزای چیزی به دیگر اجزای آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۱) و در اصطلاح، گروهی از افرادند که پیوندهای بادوامی با یکدیگر دارند و گاهی نیز مکان جغرافیایی آن‌ها مشترک است. (شاعرپور، ۱۳۸۹: ۱۱)

حال با نظر به آنچه در معنای این دو واژه بیان شد، می‌توان آداب اجتماعی را مجموعه‌ای از رفتارهای اختیاری و زیباشناختی دانست که با رعایت آن‌ها حدود مرزها رعایت می‌شود و در مواردی نیز منظور، برخی ظرافت‌های رفتاری است که روابط را نیکو می‌کند و به آن‌ها سامان می‌دهد.

### شاخص

شاخص در لغت به معنای بلندبرآمده از هر چیزی است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۸: ۱۲۳۱) در تحقیق حاضر، منظور از آن، نشانه‌ها و نمودهای ظاهری گفتار و رفتار در آداب اجتماعی است که افراد برای بهبود روابط، در تعاملات خود به آن دقت نموده، مطابق با آن رفتار می‌کنند.

### نهج البلاغه

کتابی است که در آن گزیده‌ای از نامه‌ها، خطبه‌ها و سخنان کوتاه منسوب به امام علی علیه السلام گردآوری شده است و دارای ترجمه‌هایی بسیار است. این کتاب را سید رضی در قرن چهارم قمری بر اساس ذوق ادبی شخصی خود تدوین نموده است.





## آیت‌الله ناصر<sup>علیه السلام</sup>

آیت‌الله محمدعلی ناصر<sup>علیه السلام</sup> در سال ۱۳۰۹ شمسی در دولت‌آباد اصفهان در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. در ۱۴ سالگی به نجف رفت و در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت. او پس از سال‌ها توشه‌اندوختن و استفاده از محضر اساتید اخلاق و... به ایران بازگشت و به تدریس دروس گوناگون و تربیت نفوس آماده و همچنین اقامه نماز جماعت و رسیدگی به نیازهای گوناگون مردم پرداخت. این عالم ربّانی سرانجام در چهارم شهریور سال ۱۴۰۱ شمسی دارفانی را وداع گفت. (فروزبخش، محمود و همکاران، بی‌تا)

### شاخص‌های آداب اجتماعی

شاخص‌های آداب اجتماعی، آن دسته از نشانه‌ها و نمودهای ظاهری در تعاملات اجتماعی است که افراد برای بهبود روابط و در جهت نیل به سعادت، به آن دقت می‌کنند. این نمودها ممکن است در گفتار یا رفتار انسان‌ها آشکار شود. در این بخش، تعدادی از این نمودها در آداب اجتماعی را به لحاظ ایجابی یا سلبی بودن، بررسی نموده‌ایم.

### شاخص‌های ایجابی

شاخص‌های ایجابی، آن دسته از نمودهایی هستند که در قرآن کریم و نهج‌البلاغه و دیدگاه آیت‌الله ناصر<sup>علیه السلام</sup>، مثبت به کار رفته و به آن سفارش و از آن ستایش شده است.

### اخلاص

اخلاص به عنوان یکی از شاخص‌های ایجابی آداب اجتماعی، به معنای پاک‌کردن عمل از هر نوع آلودگی برای خداوند است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۲۵۷) اعمال آدمی زمانی ارزشمند است و خدا آن‌ها را می‌پذیرد که انجام‌دهنده، فقط رضایت خداوند را در نظر داشته باشد. انسان در تعاملات اجتماعی زمانی که برای کسی کاری انجام می‌دهد، نباید توقع جبران از او داشته باشد. خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ». (بقره: ۲۰۷)

واز میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خدا به [این] بندگان مهربان است.



آیه بالا به رخداد «لیلة المبيت» مربوط است و به اخلاص مولای متقیان علیه السلام هنگام بذل جان خویش دلالت دارد. (شاذلی، ۱۴۲۵، ج: ۱، ۲۰۵ و رک: غافر: ۱۴؛ بینه: ۵؛ زمر: ۱۱)

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود چنین فرموده است:

«...فَقَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ فَاسْتَخْلَصَهُ...» (سید رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۸۷)

عملش را برای خدا خالص کرد و خدا هم او را برای خود اختیار نمود.

معنای «استخلاص حق» در کلام حضرت این است که هرگاه انسان عمل خود را برای خدا خالص نماید، در عوض این خلوص عمل، خداوند او را به رضایت خود اختصاص داده، انواع کمالات را به او می‌دهد که به موجب آن، بنده به مقام قرب خداوند می‌رسد. (ابن میثم، ۱۴۲۰، ج: ۲، ۲۹۵)

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه درباره ضرورت اخلاص در عمل، در یکی از منبرهای خود فرمودند. «فردی به تازگی به حج رفته بود و اگر کسی او را با نامش صدا می‌زد، پاسخ نمی‌داد؛ ولی اگر عنوان «حاج آقا» را به کار می‌بردند، پاسخ می‌داد!» ایشان در ادامه بر ضرورت اخلاص و اینکه اعمال انسان باید فقط برای خدا باشد تأکید نمودند.<sup>۱</sup> (فروزبخش، بی‌تا: ۴۵)

با توجه به آنچه بیان شد، افراد در تعاملات خود باید در پی خالص نمودن اعمال نیک خود از اهداف غیرخدایی باشند تا در کنار بهبود این تعاملات، به سعادت دست یابند.

### تواضع

یکی از شاخص‌های مهم ادب در تعاملات اجتماعی، تواضع است. تواضع یعنی انسان خود را از دیگران برتر نبیند و حس برتری جویی نداشته باشد؛ بنابراین، باید رفتار و گفتار او به گونه‌ای باشد که بر اکرام دیگران دلالت کند. (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۰۰) در قرآن کریم کلماتی وجود دارد که بر معنای تواضع دلالت دارد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾.

(فرقان: ۶۳)

و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند؛ و چون نادانان ایشان را خطاب می‌کنند، به ملایمت پاسخ می‌دهند.

خداوند در این آیه مؤمنان را دارای صفت تواضع معرفی نموده است. مؤمنان در برابر خداوند و مردم این‌گونه هستند. علامه طباطبایی بر این باور است که منظور از راه رفتن بندگان خدا در روی زمین، معاشرت آن‌ها در کنار مردم است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۲۳۹)

امام علی علیه السلام تواضع را روش پارسایان دانسته و فرموده‌اند:

«وَمَشِيهِمُ التَّوَّاضِعُ». (سید رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۹۳)

و رفتارشان افتادگی است.

نیز در ابتدای نامه‌ای به یکی از والیان خود، او را به تواضع سفارش فرموده‌اند.<sup>۱</sup> (سید رضی،

۱۳۷۹: نامه ۲۷)

آیت الله ناصری رحمته الله نیز «مشی» را به معنای «راه رفتن» و راه رفتن متواضعانه را از نشانه‌های پارسایان معرفی کرده‌اند. (ناصری، ۱۴۰۱: ۱۷۹) و در باب تواضع مذموم، به کلام خداوند سبحان در آیه ۲۹ سوره فتح استناد نموده و بر این باورند که مؤمنان باید در برابر کفار تندوتیز باشند و در برابر یکدیگر رفتاری فروتنانه و برادرانه داشته باشند. (احزاب: ۱۰) (همو: ۱۸۶) همچنین سیره عملی وی نیز نشان از آن دارد که ایشان در روابط اجتماعی خود بسیار فروتن بوده‌اند و این رفتار آیت الله موجب دلباختگی مردم اصفهان به ایشان بوده است. (فروزبخش، بی‌تا: ۸ و ۵۹ و ۵۵)

گشاده‌رویی و نرم‌خویی

گشاده‌رویی از جمله شاخص‌های بسیار مهم در آداب اجتماعی است؛ زیرا کیفیت چهره انسان در هنگام روبه‌رو شدن با دیگران، در چگونگی رفتار آن‌ها بسیار اثرگذار است و سبب جذب افراد می‌شود. چگونگی برخورد با دیگران در اسلام بسیار اهمیت دارد و در آیاتی فراوان از قرآن کریم از آن سخن به میان آمده است. خداوند در یکی از آیات به پیامبر خود چنین می‌فرماید:

﴿فَإِمَّا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن تَ لَّهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِن حَوْلِكَ﴾.

(آل عمران: ۱۵۹)

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

در این آیه خداوند به یکی از ویژگی‌های بسیار مهم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله؛ که نرمش در



۱. ر.ک. تفاسیر آیات: شعراء: ۲۱۵، مانده: ۵۴، حجر: ۸۸؛ نهج البلاغه: حکمت ۱۱۳، خطبه ۱۹۲ و ۱۹۳ و نامه ۴۶.

برابر افراد نادان و گنهکار است، اشاره کرده و تندخویی را عاملی برای پراکنده شدن مردم از اطراف او دانسته است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۴۱)

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ». (سید رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۳۳۳)

شادی مؤمن در چهره و اندوهش در دل اوست.

حضرت در کلام حکیمانۀ خود، ویژگی مؤمنان راستین را شادی در چهره بیان کرده اند. آنان هنگام معاشرت، شادی در چهره دارند و اندوه خود را به دیگران منتقل نمی سازند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۶۷۵)

همچنین در نامه ای به والی مصر به او دستور داده اند که با مردم با چهره ای شاد برخورد کند و رفتارش همراه با نرمی باشد:

«وَأَلِنْ هُؤْمَ جَانِبِكَ وَ ائْسِطْ هُؤْمَ وَجْهَكَ». (سید رضی، ۱۳۷۹، نامه ۲۷)

با آنان نرم خو، مهربان و گشاده رو باش.

آیت الله ناصری رحمته الله نیز گشاده رویی و سرور چهره را از ویژگی های مؤمنان دانسته اند. (ناصری،

۱۴۰۱: ۳۰۷)

به بیان شاگردان و نزدیکان ایشان، این صفت به طور ویژه در آیت الله ناصری رحمته الله وجود داشت و در خانه ایشان به روی همه مردم باز بود. (فروزبخش، بی تا: ۲۷ و ۵۹ و ۵۳)

با نظر به آنچه از خوش رویی و نرم خویی بیان شد، داشتن چهره ای گشاده و رفتاری نرم و به دوراز خشونت در تعاملات اجتماعی، در جلب محبت و بهبود روابط اجتماعی، بسیار پسندیده است.

بردباری

یکی دیگر از شاخص های مهم آداب اجتماعی، بردباری است. صبر را در اصطلاح، مضطرب نشدن در بلاها و گرفتاری ها معنا کرده اند. (کراچکی، بی تا: ۱۴۳)

صبر، نیرویی است که انسان را در امور ناخوشایند توانمند می کند. توانمند شدن او پایداری در برابر سختی های زندگی یا مشکلات و اختلاف نظرها در روابط را به دنبال دارد. این ویژگی سبب می شود انسان در چنین وضعیتی واقعیت را پذیرفته، در پی راه حلی منطقی باشد. (پسندیده، ۱۳۸۴: ۱۱۱)





اهمیت این ویژگی را می‌توان از آیات فراوانی متوجه شد که در آن‌ها پیامبران و اولیای خدا و مؤمنان به صبوری و پایداری دعوت شده‌اند. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾. (بقره: ۱۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ زیرا خدا با شکیباییان است.

بردباری هرگز به معنای تسلیم شدن در برابر عوامل شکست و تحمل بدبختی‌ها نیست؛ بلکه به معنای پایداری در برابر رخدادها و مشکلات است. به گواه تاریخ، صبر، از عوامل مهم برای غلبه بر سختی‌ها و سبب پیروزی است. صبر، پشتوانه‌ای است که آدمی با کمک آن می‌تواند به جنگ سختی‌ها برود و به قدری اهمیت دارد که هیچ‌کدام از عوامل پیشرفت افراد و جامعه به اندازه آن اثرگذار نیست. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۱۸)

نمونه کامل صبر و مقاومت در راه حق و برای حق، یعنی امیرمؤمنان علیه السلام در بیان فضیلت صبر چنین فرموده‌اند:

«وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَلَا [خَيْرًا] فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ». (سید رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۸۲)

و بر شما باد به شکیبایی، چون صبر برای ایمان به منزله سر برای بدن است. در بدنی که سر نیست و در ایمانی که شکیبایی نیست، خیری وجود ندارد.

مغز، عضوی بسیار مهم در سر است و وظیفه فرماندهی و نقش اتاق کنترل را دارد و با جدا شدن سر از بدن، زندگی انسان به پایان می‌رسد. علت تشبیه صبر به سر در کلام حضرت همین است؛ زیرا جایگاه صبر در ایمان نیز همین‌گونه است. بدون بردباری، دیگر ایمانی برای انسان برای تحمل سختی‌ها باقی نمی‌ماند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۴۹۴ و ر.ک: خطبه ۱۹۳)

از نظر آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه مؤمن باید در معاشرت‌ها و ناملازمات و مشکلاتی که در طول روز با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، بردباری پیشه کند و برخوردهایش مطابق شرع باشد. (ناصری، ۱۴۰۱: ۳۷۳) سیره خود ایشان نیز در تحمل بیماری‌ها و سختی‌های زندگی، از بردباری‌شان حکایت دارد. (فروزبخش، بی‌تا: ۳۳)

با نظر به فضیلت صبر در کلام خداوند و امیرمؤمنان علیه السلام و آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه و ناگزیر بودن



انسان‌ها از رویارویی با برخی مشکلات و تزاخمت‌ها در روابط اجتماعی، سزاوار است انسان در مسیر رسیدن به اهداف والای خود، صبوری و استقامت را انتخاب کند.

### وفای به عهد

یکی از شاخص‌های آداب اجتماعی، وفای به عهد و پیمان است. وفای به عهد که از دو واژه «وفا» و «عهد» ترکیب یافته، به معنای عملی کردن ادعا و استواری بر عهد و پیمانی است که فرد با دیگران دارد. (برومند و دیگران، ۱۳۸۴، ش ۹۶: ۱۲) اساس ارتباط انسان‌ها در اجتماع، به عملکرد آن‌ها در پیمان‌های میان آن‌ها وابسته است. وفای به عهد از طبیعت انسان نشئت می‌گیرد؛ زیرا هر فردی بدون نیاز به برهان، اهمیت آن را در روابط اجتماعی تصدیق می‌کند. انسان می‌داند که در لزوم وفای به پیمان، تفاوتی میان مسلمان و غیر او نیست. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۴۳۳) وفای به عهد در آیات بسیاری از قرآن کریم نیز تأکید شده است. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾. (مائده: ۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید.

کلمه «عقد» در لغت به معنای گره زدن چیزی به چیز دیگر است. این گره به‌گونه‌ای است که امکان جدا شدن یکی از دیگری وجود ندارد. واژه «عقد» در اصطلاح به عمل یا سخنی گفته می‌شود که بین دو چیز ارتباط برقرار کند و این ارتباط به‌گونه‌ای باشد که جدایی آن‌ها امکان‌پذیر نباشد. خداوند با عبارت «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» وفای به عهد را دستور داده و این دستور تمام نمونه‌های عقد را شامل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۵۷)

اساس زندگی انسان‌ها چیزی است که خداوند بر عهده آن‌ها قرار داده است؛ از این رو مؤمنان حق شکستن پیمان‌ها و چاره‌ای جز پذیرفتن مسئولیت پیمان‌های خود ندارند.<sup>۱</sup> (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۸: ۱۱)

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود، نخست از اهمیت وفا و راستی سخن گفته‌اند و به‌رغم تصور عده‌ای پیمان‌شکن که خیانت را نشان خردمندی می‌دانند، افراد باهوش را وفادار به پیمان‌های خود و طرف‌دار صداقت دانسته‌اند. (ر.ک: سید رضی، ۱۳۷۹؛ خطبه ۴۱ و مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۲: ۴۴۵)

۱. ر.ک: تفاسیر، ذیل آیات: اسراء: ۳۴، مریم: ۵۴، نحل: ۹۵، بقره: ۴۰ تا ۴۳ و مائده: ۷.



نیز در یکی از کلمات کوتاه خود به وفاداری به پیمان و شرایط آن امر نموده و چنین فرموده‌اند:

«إِعْتَصِمُوا بِالَّذِمِّمْ فِي أَوْتَادِهَا». (سید رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۵۵)

به عهد و پیمان و شرایط آن وفادار باشید.

«أوتاد» به معنای میخ‌ها است. ابن‌میثم در شرح کلام حضرت، اوتاد را استعاره از احکام و شرایط قراردادهای دانسته است؛ زیرا احکام و شرایطی که برای قراردادهای وضع می‌شود حکم میخ و نگه‌دارنده پیمان را دارند. افراد با پایبندی به احکام و شرایط قراردادهای از غضب خداوند پرهیز می‌نمایند تا از عذاب او در امان بمانند. (ابن‌میثم، ۱۴۲۰، ج ۵: ۳۳۳)

سیره آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه نیز این‌گونه بود که یا کاری را نمی‌پذیرفتند یا در صورت پذیرش، حتماً تا انتها آن را ادامه می‌دادند. (فروزبخش، بی‌تا: ۳۶)

کلام امیرمؤمنان علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه و دستور خداوند به رعایت و پایبندی به شرایط پیمان‌ها و اهمیت وفای به عهد در سیره آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه آشکار است و با توجه به اینکه سرمایه افراد در تعاملات اجتماعی، اعتماد است و پایبند نبودن به پیمان‌ها، بی‌اعتمادی را در پی دارد؛ لازم است در جهت پایداری و بهبود روابط اجتماعی، افراد به پیمان‌های خود با دیگران، پایبند باشند.

### گذشت

یکی از شاخص‌های زیبا و مثبت در آداب اجتماعی، گذشت است. غفو یعنی فردی که شایسته حقی است، از حق خود بگذرد و ذمه فرد ظالم را آزاد کند. (غزالی، بی‌تا، ج ۹: ۱۱۹)

گذشت در سیره معصومان رضی‌الله‌تعالی‌عنهم بسیار دیده می‌شود و افراد اگر در تعاملات اجتماعی خود به آن توجه کنند، در تقویت بنیان خانواده و سایر روابط اجتماعی بسیار مؤثر است. (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵ و مظاهری، بی‌تا: ۳۸) گذشتن از خطای دیگران، از شاخص‌هایی است که اگر به آن توجه شود، بسیاری از کشمکش‌ها در محیط جامعه خاتمه می‌یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۹۹)

در آیات بسیاری از قرآن کریم درباره گذشتن از خطای دیگران سخن به میان آمده و مسلمانان به این خصلت پسندیده تشویق شده‌اند. خداوند در یکی از این آیات چنین فرموده است:

﴿وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِّثْلَهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾. (شوری: ۴۰)

و جزای بدی، مانند آن بدی است؛ پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهد] خداست.



خداوند در این آیه، نخست از برابری مجازات با ظلم صحبت نموده و در ادامه برای حاکم شدن آرامش در جامعه، به عفو دستور داده و پاداش کسانی که از حق خود می‌گذرند را برعهده گرفته است. البته این امر برای دفاع از ظلم ظالم نیست؛ بلکه برای هدایت افراد و پایداری پیوندهای اجتماعی است.<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۴۶۵)

مولای متقیان علیه السلام می‌فرمایند:

«إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعُفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ». (سید رضی، ۱۳۷۹:

حکمت ۱۱)

وقتی بر دشمن غلبه کردی، گذشت از او را شکرانه پیروزی بروی قرار بده.

امام علی علیه السلام در بیان روش برخورد با دشمن، به گذشت دعوت نموده، درصدد توجه دادن به فضیلت آن هستند. (ابن میثم، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۴۴ و ر.ک: خطبه ۱۹۳ و حکمت ۲۱۱)

زندگی در بستر جامعه به‌گونه‌ای است که افراد در مسیر حرکت به سمت اهداف خود ممکن است بر اثر خودخواهی یا عوامل دیگر، برای دیگران مشکلی درست کنند و از نظر آیت‌الله ناصر علیه السلام اگر ما از اشتباهات دیگران نگذریم، خدا نیز از اشتباهات ما نمی‌گذرد و چون اشتباهات ما بیشتر است، به ضررمان می‌شود. (ناصری، ۱۴۰۱: ۴۳۷)

با نظر به فضیلت عفو و برای تحقق آرامش در جامعه و پایداری روابط، بهتر است افرادی که حق آن‌ها ضایع شده، در صورتی که باعث سوءاستفاده ظالم نشود، او را ببخشند.

### شاخص‌های سلبی

منظور از شاخص‌های سلبی، آن دسته از نمودهایی هستند که در قرآن کریم و نهج البلاغه و از منظر آیت‌الله ناصر علیه السلام به صورت منفی به کار رفته و نکوهش شده و از آن‌ها نهی کرده‌اند. در این بخش، تعدادی از آن‌ها را بررسی خواهیم کرد:

### تکبر

تکبر از آسیب‌های بسیار خطرناک رفتاری در تعاملات اجتماعی است که باید از آن دوری شود. تکبر حالتی است که در آن انسان خود را برتر از دیگران می‌بیند. (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۹۵) معمولاً این حالت در درون افرادی به وجود می‌آید که دارای

۱. ر.ک: حجر: ۸۵، شوری: ۴۳، مائده: ۴۵ و بقره: ۲۳۷.

امتیازات مادی یا معنوی هستند و خود را همه‌کاره جهان می‌پندارند. ریشه این حالت، احساس حقارت و ضعف نفس است و فرد مبتلا، گاهی در افکار باطل خود غرق می‌شود و دیگران را نادیده می‌گیرد. حال آنکه چنین فردی باید در پی مبارزه با آن و درمان خود باشد؛ زیرا این ویژگی ممکن است سبب ارتکاب گناهان بسیار گردد و مانعی در مسیر رشد و کمال فرد شود. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۶: ۴۹۴)

این ویژگی، در آیات بسیاری نکوهش شده است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾  
(لقمان: ۱۸)

و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسندِ لاف‌زن را دوست نمی‌دارد.

در المیزان، ذیل این آیه به نقل از راغب آمده است: «صعر» یعنی کج بودن گردن و «تصعیر» یعنی گرداندن گردن از روی تکبر. واژه «مرح» نیز به شدت خوش حالی و زیاده‌روی در آن معنا شده است. با نظر به این معانی، خداوند از راه رفتن، مانند افراد بسیار خوش حال و روی گرداندن از مردم از روی تکبر منع نموده است. خداوند در پایان آیه تأکید نموده که متکبران را دوست ندارد. علت استفاده از واژه «مختال» این است که فرد متکبر خود را این‌گونه خیال می‌کند؛ ولی چنین نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۲۱۹) لقمان در اینجا به دو صفت تکبر و خودپسندی اشاره کرده که موجب خراب شدن ارتباطات اجتماعی است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۵۴ و ر.ک: بقره: ۳۴، لقمان: ۱۹)

مولای متقیان علیه السلام در نهج البلاغه فراوان از این خصلت ناپسند صحبت فرموده و مردم را به پرهیز از آن سفارش نموده‌اند. حضرت در یکی از کلمات کوتاه خود چنین می‌فرماید:

«صَعَّ فَخْرُكَ وَ اَحْطَطَّ كِبْرُكَ، وَ اَذْكَرُ قَبْرُكَ» (سید رضی، ۱۳۷۹، حکمت ۳۹۸)

فخر فروشی را بگذار، کبر خود را فروریز و قبرت را یاد کن.

هر انسانی ممکن است از جهات گوناگونی امتیازاتی داشته باشد که مایه افتخار است و اشکالی در آن نیست؛ اما اگر بخواهد به وسیله آن‌ها خود را از دیگران برتر بداند، بسیار ناپسند است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۲۴۳ و ر.ک: خطبه ۱۶۷)

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه محشورشدن متکبران در قیامت را به صورت مورچه دانسته‌اند که در



شلوغی قیامت زیر پا له می‌شوند. ایشان برای درمان تکبر، مطالعه کتاب‌های اخلاقی مانند: معراج السعاده و جامع السعاده را سفارش نموده‌اند و خود نیز در تعاملات اجتماعی رفتاری متواضعانه و به‌دوراز تکبر داشته‌اند. (ناصری، ۱۴۰۱: ۱۸۹ تا ۱۹۲ و فروزبخش، بی‌تا: ۵۹)

با توجه به نکوهش این صفت در قرآن کریم و کلام مولای متقیان علیه السلام در نهج البلاغه و با نظر به آسیب‌های جبران‌ناپذیری که ممکن است بر زندگی افراد وارد کند، باید از آن پرهیز شود.

### دروغ‌گویی

دروغ‌گویی یکی از آسیب‌ها در روابط اجتماعی است که جزو بدترین آفات زبان به حساب می‌آید و معادل عربی آن «کذب» است. کذب، نقیض صدق (ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۶: ۷۹۰) و به معنای مطابقت نکردن با واقعیت یک گفتار یا خبر است. به‌رغم راست‌گویی که ارزشی مثبت در ادب دارد، دروغ‌گویی امری منفی است. انسان باید در گفتار خود از دروغ دوری کند. منفی بودن دروغ‌گویی در این منحصر نیست که فرد سخنی بگوید که می‌داند با واقعیت مطابقت ندارد؛ بلکه دقت در این امر باید به‌گونه‌ای باشد که حتی از روی نادانی و بدون علم و یقین نیز سخنی به خدا نسبت داده نشود؛ زیرا در این صورت نیز فرد، کار زشتی را انجام داده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۳۳۲) مسئله راست‌گویی و پرهیز از دروغ بسیار اهمیت دارد و خداوند متعال در آیات فراوانی انسان‌ها را از دروغ‌گویی نهی فرموده است. برای نمونه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾. (زمر: ۳)

در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ‌پرداز ناسپاس است هدایت نمی‌کند.

خداوند متعال در این آیه، افراد دروغ‌گو را که برای خداوند شریک قرار داده‌اند از هدایت خود محروم فرموده است. (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۳: ۲۴۳)

رشد انسان در گرو پابندی به راستی در کردار و گفتار است. با نظر به نیازهای روحی و جسمی انسان‌ها به یکدیگر، آن‌ها چاره‌ای جز زندگی در بستر جامعه ندارند و بقای چنین حیاتی در سایه درست‌کاری و راستی میان افراد جامعه تضمین می‌شود. اگر انسان بنای همه کارهای خود را بر راستی بگذارد و از هر نوع ناراستی به دور باشد، زمینه برای رسیدن به کمال برای او فراهم می‌شود؛ زیرا پنجره‌های سعادت به روی جامعه بشری، با پرهیز از دروغ‌گویی بازمی‌شود.



امام علی علیه السلام در این باره به فرزند خود امام حسن علیه السلام می‌فرمایند:

«وَأَيُّكُمْ وَ مُصَادَقَةَ الْكُذَّابِ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ وَ يَبْعُدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ». (سید رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۳۸)

و از رفاقت با دروغ‌گو حذر کن؛ چراکه مانند سراب است، دور را در نظرت نزدیک و نزدیک را دور می‌کند.

حضرت در کلام خود، دوستی با دروغ‌گو را به سراب تشبیه فرموده و فرزند خود را از دوستی با چنین فردی نهی نموده‌اند. عبارت «يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ...» در اینجا به وجه این تشبیه اشاره می‌کند. انسان دروغ‌گو به سراب شباهت دارد؛ زیرا واقعیت چیزی که از آن سخن می‌گوید را مخفی نگه می‌دارد. مخفی نگه داشتن حقیقت، سبب آسان جلوه نمودن کارهای مشکل و دور می‌شود و عکس آن نیز صادق است؛ یعنی کارهای آسان و نزدیک، دور به نظر می‌رسد. با این حال همان‌گونه که سراب، واقعاً آب نیست و فقط آب به نظر می‌رسد، واقعیت پشت پرده کلام دروغ‌گو نیز به‌گونه‌ای دیگر است و این وارونه جلوه دادن‌ها براساس هدف‌های او است. (ابن میثم، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۶۲)

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه دروغ را از گناهان کبیره دانسته که انسان باید از آن برحذر باشد؛ زیرا فقدان بهره‌مندی از هدایت خداوند، فراموشی و محروم شدن از نماز شب را برای فرد به دنبال خواهد داشت. همچنین ایشان بر این باور است که انسان باید همیشه و همه جا راست‌گو باشد. (ناصری، ۱۴۰۱: ۱۲۳ تا ۱۲۶)

انسان ذاتاً حقیقت‌طلب است و راست‌گویی در بهبود تعاملات اجتماعی بسیار مؤثر است و باید سرلوحه روابط قرار بگیرد؛ زیرا مراعات نکردن آن در جامعه و در روابط گوناگون میان افراد، مشکلاتی فراوان از جمله بی‌اعتمادی را در پی خواهد داشت. نیز سبب بروز آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر در مسیر حفظ خانواده، تربیت فرزندان و تمدن‌سازی اسلامی خواهد شد.

## غیبت

غیبت یکی از شاخص‌های سلبی در آداب اجتماعی و از آفات خطرناک زبان است. غیبت یعنی در نبود شخص، چیزی گفته شود که اگر بشنود، ناراحت شود و از مطرح شدن آن، راضی نباشد. البته به شرط اینکه مردم آن مطلب را عیب بدانند و آن عیب واقعاً در شخص باشد و درباره نوع عیب، نیز تفاوتی بین انواع گوناگون آن نیست. (قمی و نراقی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) این آفت



به قدری بر ارتباطات اجتماعی اثر می‌گذارد که حتی ممکن است سبب نابودی رابطه‌ای دوستانه با سابقه‌ای طولانی شود. با نظر به اینکه حفظ کرامت انسان، اصلی اساسی در دین اسلام است، غیبت به شدت در قرآن کریم نکوهش شده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾. (حجرات: ۱۲)

و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراحت دارید.

خداوند در این آیه با محدود کردن آزادی انسان‌ها در بیان عیب‌های پنهان افراد، به حفظ حریم عمومی در اجتماع فرمان می‌دهد؛ زیرا خداوند به مؤمن این حق را داده که کمبودها و عیب‌های خود را پنهان کند و اگر کسی از آن‌ها آگاه گردد، حق ندارد که بی‌اجازه شخص، آن‌ها را برای کسی بازگو نماید. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱: ۱۵۴)

در این آیه ابتدا از غیبت نهی و سپس این پرسش طرح شده است که آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ معلوم است که هیچ انسانی دوست ندارد این کار را انجام دهد.

هدف خداوند در طرح این پرسش این است که غیبت مسلمان که در اسلام مانند برادرند، شبیه به خوردن گوشت برادر مرده خود است و چون این حالت برای هرفردی انزجار ایجاد می‌کند، خداوند با ارائه این صحنه و بیان این تشبیه که در آن روحیه هر انسانی آسیب می‌بیند و با ایجاد حالت کراحت، زشتی غیبت را بیان نموده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۶: ۲۱۲ و شاذلی، ۱۴۲۵، ج ۶: ۴۳۷)

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«الْغَيْبَةُ جَهْدُ الْعَاجِزِ». (سید رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۴۶۱)

غیبت، کوشش ناتوان است.

در میان گناهان کمترگناهی مانند غیبت نشانه ناجوانمردی است. هرانسانی ممکن است نقصی داشته باشد؛ ولی بیان آن پشت سر او بسیار ناپسند است؛ زیرا با افشای آن، آبروی فرد در معرض خطر قرار می‌گیرد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۶۱۶) افراد گاهی به دلیل حسادت غیبت می‌کنند. امام علی علیه السلام در این کلام کوتاه خود، با بیان این مطلب که این عمل از فرد ناتوان سر می‌زند، مؤمنان را از آن بر حذر داشته‌اند. (ابن میثم، ۱۴۲۰، ج ۵: ۴۶۰)





انسان‌های شریف و دارای عزت نفس، پشت سر مردم بدگویی نمی‌کنند. این خصلت تنها در افراد ضعیفی است که به دنبال زدن خنجر از پشت هستند. (بهارى، ۱۳۸۲: ۳۷) حضرت در موارد دیگری نیز از غیبت و حتی شنیدن آن نهی فرموده‌اند که در این مجال امکان پرداختن به آن نیست. (رک: خطبه ۱۴۰ و ۱۴۱)

در دیدگاه آیت‌الله ناصرى علیه السلام از میان ابزارهای گوناگونی که برای معصیت وجود دارد، گناهان زبان بیشتر است؛ زیرا گناهان زبانی از جمله: غیبت، آسان است و برای فرد هزینه‌ای ندارد و متأسفانه امروزه زشتی آن ریخته است. افراد باید در نظر داشته باشند که غیبت، استجابت نشدن دعاها و نابودی اعمال انسان را به دنبال دارد. (ناصرى، ۱۴۰۱: ۱۶۰) همچنین سفارش اول و آخر ایشان، گناه نکردن و انجام واجبات بود. (فروزبخش، بی‌تا: ۲۲)

با نظر به نهی خداوند و کلام امام علی علیه السلام و بیانات آیت‌الله ناصرى علیه السلام در آثار گناه و توصیه به ترک گناهان و همچنین تأکید اسلام بر حفظ آبروی انسان، لازم است برای پایداری روابط و دورماندن از پیامدهای غیبت، از این کار پرهیز شود.

### تجاوز به حقوق دیگران

یکی از ظرافت‌های عمل در تعاملات اجتماعی، تجاوز نکردن به حقوق دیگران است. تجاوز در لغت به معنای عبور کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۱۲) و گذشتن (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۴) و در اصطلاح به معنای گذشتن از حد است و در برابر دیگران به آن تعدی و ظلم گفته می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۳۵۴) با رعایت نکردن حقوق افراد و تخلف از قوانین مورد نیاز مردم، ظلم صورت می‌گیرد که از نظر مردم رفتاری ناپسند است. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۶: ۶۶۰) برای همه افراد در جامعه، حقوقی وجود دارد که در زندگی اجتماعی باید حفظ شود و به آن تجاوز نشود. افراد افزون بر مسئول بودن در برابر رعایت حقوق دیگران، موظف هستند دیگران را نیز به رعایت آن وادار سازند تا در جامعه ناامنی به وجود نیاید. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۱۹۴) در اسلام همگان باید حقوق یکدیگر را رعایت کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾. (بقره: ۱۹۴)

پس هرکس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تجاوز کرده، بر او تعدی کنید.

جان و حقوق افراد در اسلام به قدری مهم است که هرچند تجاوز را نمی‌پذیرد، در مقابل آن سکوت نمی‌کند و اگر افرادی تجاوز کنند، دیگران حق دارند از خودشان در مقابل آن‌ها



دفاع کنند. (قرائنی، ۱۳۸۸، ج: ۱، ۳۰۵)

مولای متقیان علیهم السلام در نکوهش تجاوز به حق دیگران می‌فرمایند:

«لَا يِعَابُ الْمُرءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ، إِنَّمَا يِعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ». (سید رضی، ۱۳۷۹:

حکمت ۱۶۶)

کسی را برای تأخیر حَقِّش سرزنش نمی‌کنند؛ بلکه کسی را ملامت می‌نمایند که چیزی را ستانده که حق او نیست.

کلام حضرت در پاسخ به فردی است که درباره تأخیر در مطالبه حق امامت پرسیده بود. حضرت به این نکته اشاره فرموده‌اند که فرد به سبب تأخیرافتادن حَقِّش، مستحق سرزنش نیست و سرزنش برای کسی است که به حقوق دیگران تجاوز کرده است. (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵: ۱۱۶۳)

در بیان آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه رعایت حقوق اجتماعی افراد و تعدی نکردن به حقوق دیگران لازمه زندگی اجتماعی است. (بنیاد علمی فرهنگی هاد)

با توجه به آنچه بیان شد و به جهت ضرورت وجود امنیت در جامعه، لازم است افراد حقوق یکدیگر را رعایت کنند.

### نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب مطرح شده در این پژوهش نتایجی به دست آمد که به آن‌ها اشاره می‌نماییم. ضرورت ارتباط انسان با دیگران و اجتماعی بودن زندگی او، او را به ابزاری نیازمند می‌کند تا نیازهای خود را برطرف نماید. با توجه به اینکه خداوند، خالق انسان است و بهتر از هرکسی می‌تواند برنامه سعادت را برای او تنظیم کند، شایسته است در جهت استفاده بهتر از این ابزار، آداب اجتماعی مربوط به آن در آموزه‌های اسلامی و سیره علما پیگیری شود.

در این پژوهش مهم‌ترین شاخص‌های آداب اجتماعی به صورت ایجابی و سلبی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه و دیدگاه آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه بررسی شد. مهم‌ترین شاخص‌های ایجابی، اخلاص، تواضع، گشاده‌رویی، بردباری، وفای به عهد و گذشت است. اموری مانند غیبت، دروغ‌گویی، تکبر و تجاوز به حقوق دیگران نیز در حیطه نمودهای آداب سلبی باید رعایت گردد و برای بهبود روابط اجتماعی و حرکت در مسیر رشد مادی و معنوی از آن‌ها پرهیز شود تا حیات طیبه محقق گردد. در پایان پیشنهاد می‌شود چون یک مقاله گنجایش بررسی تمامی





شاخص‌های آداب اجتماعی در قرآن کریم و نهج البلاغه با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی را ندارد، پژوهشگران علاقه‌مند در این زمینه، به شمارش و بررسی سایر شاخص‌ها در این زمینه و نیز به بررسی آثار رعایت ادب در پژوهشی جداگانه بپردازند.

## منابع

- \* قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ه. ق.
  ۲. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر معروف به تفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ه. ق.
  ۳. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ صفات، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ه. ش.
  ۴. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، بیروت: دارالثقلین، ۱۴۲۰ ه. ق.
  ۵. بستانی، فواد فرام، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ ه. ش.
  ۶. برومند، محمد حسین و دیگران، «بررسی صدق از دیدگاه قرآن»، نشریه معرفت، ش ۹۶، ۱۳۸۴ ه. ش.
  ۷. بهاری، رضا، «عزت و ذلت»، معارف اسلامی، ش ۵۵، ۱۳۸۲ ه. ش.
  ۸. بهرامی، سیده زهرا و نمازی، اسماعیل، «عوامل تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلام»، کنگره علوم اسلامی علوم انسانی، بی شماره، ۱۳۹۵ ه. ش.
  ۹. پسندیده، عباس، هنر رضایت از زندگی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۴ ه. ش.
  ۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران: دریا، ۱۳۸۳ ه. ش.
  ۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: روزنه، ۱۳۷۲ ه. ش.
  ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالفکر قلم، ۱۴۱۲ ه. ق.
  ۱۳. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۱ ه. ق.
  ۱۴. سید رضی، نهج البلاغه؛ ترجمه حسین انصاریان، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۹ ه. ش.



۱۵. شاذلی، قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ه.ق.
۱۶. شاعرپور، محمود، جامعه شناسی شهری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹ه.ش.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد باقر موسوی، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ه.ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة، ترجمه: احمد عابدی، قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۰ه.ش.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ه.ش.
۲۰. فروزبخش، محمود و همکاران، اسم بزرگ من محمد است، اصفهان: شرکت نشر اصفهان زیبا. بی تا.
۲۱. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الاسلام)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام، انتشارات فقیه، ۱۳۷۹ه.ش.
۲۲. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ه.ق.
۲۳. قمی، عباس و نراقی، احمد بن محمد مهدی، اخلاق و آداب، قم: نور مطاف، ۱۳۸۹ه.ش.
۲۴. کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنت اصفهان، سیری در سپهر اخلاق، قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۹ه.ش.
۲۵. غزالی، محمد، إحياء علوم الدین، محقق: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بی جا: دارالکتب العربی، بی تا.
۲۶. کراچکی، محمد بن علی، نزهة النواظر در ترجمه معدن الجواهر، مترجم: عباس قمی، تهران: اسلامیة، بی تا.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، تفسیر قرآن ناطق، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ه.ش.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ه.ش.
۲۹. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، قم: شفق، بی تا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ه.ش.

۳۱. \_\_\_\_\_، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ ه. ش.
۳۲. \_\_\_\_\_، آداب معاشرت در اسلام، تهیه و تدوین: ابوالقاسم علیان نژادی، چ دوم، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۲ ه. ش.
۳۳. هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه، مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، مرکز پژوهش های فارسی الغدیر، ۱۴۲۶ ه. ق.
۳۴. ناصری، محمد علی، رسم بندگی، تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی زبانی، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱ ه. ش.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، قم: هجرت، بی تا.

منبع اینترنتی: [www.bonyadhad.ir](http://www.bonyadhad.ir)

